

ماهیت سحر و ابعاد تربیتی آن از منظر فقه *

□ ریاندی **

□ جواد روحانی ***

چکیده

«سحر» پدیده‌ای تاریخی - اجتماعی است. جادوگری در برخی جوامع یک باور موروثی است که خانواده‌ها و افراد قبیله آن را بر اساس نظام خانوادگی خود به یکدیگر منتقل می‌کنند. توجه به چیستی، حقیقت سحر، حکم فقهی و آثار مترتب بر آن، به لحاظ اخلاقی و تربیتی می‌تواند در تعیین چارچوب سبک رفتاری مطلوب اسلامی مؤثر باشد. این مقاله درصدد است با استفاده از روش تحلیلی و اسنادی، آثار اخلاقی و تربیتی سحر را با تحلیل علت مقابله و رویارویی شدید دین اسلام با آن را بررسی کند. در راستای تبیین ماهیت سحر، فقها برای آن دو معنا در نظر گرفته‌اند: در معنای عام، شامل همه تصرفات غیر متعارف دانسته شده است؛ گرچه این تصرفات از تصرف در قوه خیال افراد تجاوز نکند؛ اما به طور خاص و در معنای محدودتر، سحر پدیده پیچیده‌ای است که طی آن نفس انسانی، قدرت بهره‌گیری از اسباب غیر طبیعی و فراتر از اسباب مادی را پیدا نموده و با انجام اعمال خارق‌العاده، روح و روان افراد جامعه را تسخیر می‌کند. در آموزه‌های اسلامی اقدام به سحر سبب کفر و تعلم آن

* تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۹/۳؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده مسئول در جامعه المصطفی العالمیه با عنوان «ماهیت السحر و احکامه مع التطبيقات الحديثة عند الفریقین؛ ماهیت سحر و احکام آن با تطبیقات جدید نزد فریقین» می‌باشد.

** گروه فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی فقه (مدرسه حجتیه)، جامعه المصطفی العالمیه، ماداگاسکار (نویسنده مسئول):

(reandireandi172@gmail.com)

*** گروه فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی فقه (مدرسه حجتیه)، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران:

(javad.rohani36@gmail.com)

حرام دانسته شده است. با تحلیل‌هایی که در متن ارائه می‌شود به نظر می‌رسد حرمت سحر و تعلیم و تعلم آن، به دلیل آثار سوء و نامطلوبی است که در شخصیت ساحر و مسحور به جا می‌گذارد. برخی از این آثار عبارت‌اند از: ۱. جهل‌ورزی به جای عقلانیت؛ ۲. ابتلا به عجب و استکبار؛ ۳. کفر و بی‌ایمانی؛ ۴. از دست دادن اعتماد به نفس؛ ۵. اضطراب و ترس؛ ۶. سوءظن و بی‌اعتمادی.

کلیدواژه‌ها: سحر، افعال غریبه، قوای نامرئی، قدرت نفسانی، تأثیرات سحر.

مقدمه

تاریخ استفاده انسان از سحر و جادو به زمان‌های بسیار دور برمی‌گردد. سحر و جادو امروزه با عناوین و اسامی مختلف در جوامع انسانی ظهور یافته و در برخی مناطق که شرایط نشر آن مناسب‌تر بوده، رواج بیشتری پیدا کرده است. حقیقت سحر امری بسیار پیچیده بوده و روی آوردن به سحر و ساحری و استفاده از آن آثار مختلفی همچون آسیب‌های اجتماعی، فردی و فرهنگی بر زندگی افراد دارد. در این مقاله سعی می‌شود آسیب‌ها و آثار سوء استفاده از سحر و ساحری از جهت تربیتی و اخلاقی مورد بررسی قرار گیرد.

در دین مبین اسلام شارع مقدس با سحر به شدت برخورد کرده به طوری که کمتر پدیده‌ای همانند سحر مورد مواجهه قرار گرفته است. در اسلام سحر و ساحری و تعلیم و تعلم آن حرام بوده، ساحر کافر شمرده شده و محکوم به قتل می‌شود. به نظر می‌رسد برخی از حکمت‌های مواجهه شدید اسلام با سحر و ساحری را می‌توان در آثار سوء اخلاقی برای ساحر و نیز آسیب‌های روحی و روانی در افرادی که در معرض سحر قرار می‌گیرند دنبال کرد. به همین منظور تلاش می‌شود ابتدا حقیقت و ماهیت سحر تبیین شده و مصادیق آن روشن شود؛ سپس آسیب‌های تربیتی و اخلاقی آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد. امید است با تبیین ماهیت سحر، حکم فقهی آن و بیان آثار سوء تربیتی و اخلاقی آن، زمینه پیشگیری و کنترل نشر سحر و روی آوردن به آن فراهم گردد.

یکی از دلایل اهمیت تبیین ماهیت سحر وجود شباهت‌های بسیار زیاد میان مفاهیمی نظیر سحر، حرز، ورد و برخی ذکرها نزد اهل اسرار است. ممکن است تمایز سحر از اموری

که نام برده شد برای بیشتر مردم واضح نباشد و همه موارد گفته شده از سنخ سحر شمرده شود. با توجه به این که حکم صریح اسلام در مورد سحر و ساحری حرمت و منع است؛ نتیجه چنین خلطی این است که امور شبیه سحر نیز حرام دانسته شده و مبادرت کننده به آن متهم به شرک و بدعت می‌گردد.

مفهوم‌شناسی

به منظور مشخص شدن دقیق ماهیت آنچه به عنوان سحر در اسلام مورد مذمت قرار گرفته، لازم است اصطلاح سحر به طور دقیق مورد بررسی مفهوم‌شناسانه واقع شود. بدین منظور در ادامه، واژه سحر از نظر لغوی و اصطلاحی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سحر

«سحر» در زبان فارسی به معنای جادوگری، افسونگری، جادو، جادو و جنبل، طلسم، چشم‌بندی، شعبده، شعبده‌بازی، تردستی و نیروی جادویی آمده است. (حق‌شناس و سامعی، ۱۳۸۹، جلد دوم، ص ۱۰۰۷) معادل انگلیسی این واژه، «magic» است. واژه «magic» در اصل از قوم مگای مادها که روحانیون زرتشتیان بودند، گرفته شده است. واژه‌های «Sorcier» و «Magicien» به معنای ساحر و جادوگر بوده و معمولاً واژه «Sorcellerie» اشاره به سحر و جادویی دارد که باعث آسیب‌رساندن به برخی افراد می‌شود. (Magical thinking - The skeptic's Dictionary - Skepdic. Com)

واژه سحر در زبان عربی به معانی مختلفی همچون: هر عملی که در آن از شیطان یاری گرفته شود، ربودن چشم دیگران^۱ (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۱۳۵)، هر عملی که دقیق و لطیف انجام شود و سخن گفتن از روی زیرکی (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۶، ص ۵۰۲) آمده است. برخی از لغویین سحر را به معنای کاری که شخص به یاری شیطان انجام می‌دهد و به وسیله آن به شیطان نزدیک می‌شود دانسته و چشم‌بندی را یکی از مصادیق آن معرفی کرده‌اند.^۲ (ابن منظور، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۳۴۸)

پس از بحث لغوی، اکنون به بحث اصطلاحی می‌پردازیم. با توجه به اینکه سحر و جادو

یکی از علوم و یا فنون است، برخی از محققان علوم انسانی مانند جامعه‌شناسان و روان‌شناسان، تعریف خاص خود را از آن ارائه داده‌اند. مراد از معنای اصطلاحی سحر در اینجا معنای فقهی و شرعی آن است و نه اصطلاح دیگری. در آثار فقهی واژه سحر در دو اصطلاح عام و خاص به کار رفته است.

الف) سحر به معنای عام

در یک اصطلاح سحر به تمامی تصرفاتی که خارج از قوانین طبیعی و عادی تحقق یافته اطلاق می‌شود. این اصطلاح عام بوده و شامل موارد هشت‌گانه‌ای که در کلمات فقها و متون روایات (مجلسی: ۲۷۸/۵۹-۲۹۷) به آن‌ها سحر اطلاق شده است می‌شود. در ادامه موارد هشت‌گانه‌ای که مشمول معنای عام سحر هستند بیان می‌شود.

اول: سحر کلدانیان (اهل بابل)

جادوگران و کاهنان کلدانی در مورد تأثیر ستارگان بر حوادث جهان و حرکات آن‌ها در بهره‌مندی یا محرومیت انسان از بسیاری از نعمت‌ها اعتقادات کفرآمیز و شرک‌آلودی داشته‌اند. (جصاص، ۱۴۲۱: ۶۵) این قسم در میان کلدانیان به «دعوة الکواکب» نام‌گذاری شده است.

دوم: افسونگری صاحبان نفوس قوی

در این مصداق از سحر اعمال غیرطبیعی از طریق تأثیرگذاری قوای نفس بر دیگران انجام می‌گیرد. توضیح این‌که در فلسفه ثابت شده است نفس با ریاضت و مجاهدت می‌تواند قدرتی بیابد که در پرتو آن بر اعضا و جوارح دیگران مسلط شود و آن‌ها را به انجام حرکات و اعمالی برخلاف میل و اراده خود و بدون وساطت چیز دیگری، مسخ کند. (خویی: ۱۳۷۷: ۱/۴۵۳)

سوم: استعانت از اجنه و شیاطین

در برخی موارد این‌گونه است که افرادی با استمداد از اجنه یا شیاطین اعمال خارق‌العاده‌ای انجام می‌دهند. (خراسانی: ۹۵/۲)

چهارم: تخیلات و چشم‌بندی

در شعبده‌بازی و چشم‌بندی، شعبده‌باز صحنه شگرفی را ایجاد می‌کند که این صحنه تمام نظر بیننده را جلب کرده و چشم او را می‌گیرد. در این قسم از موارد سحر، آنچه را که شعبده‌باز در چشمان دیگران می‌آفریند و صحنه‌ای را که به نمایش می‌گذارد به هیچ‌وجه واقعیت ندارد. (شهیدی؛ ۱۴۲۸ هـ: ۵۸/۱)

پنجم: استفاده از ابزارآلات بر اساس روابط هندسی

یکی دیگر از مصادیق سحر در معنای عام خود، اعمال شگفت‌آوری است که افراد به وسیله ترکیب برخی از ابزارآلات بر اساس مناسبات هندسی انجام می‌دهند. رقصیدن رفاص و اسب‌سوارانی که با یکدیگر می‌جنگند نمونه‌هایی از این موارد هستند. (خراسانی: ۹۷/۲)

ششم: به کار بردن برخی از ادویه و معجون‌ها

عده‌ای از افراد با استفاده از برخی ادویه و معجون‌های گیاهی در دیگران تأثیر می‌گذارند. به‌عنوان نمونه پاره‌ای از ادویه و داروهای گیاهی موجب بلادت و کندی ذهن می‌شود. شخصی که آثار و خواص این داروها و گیاهان را می‌داند آن را در طعام و خوراک شخصی ریخته و او را بلید می‌سازد. (همان: ۹۷/۲)

هفتم: تعلیق قلب

تعلیق قلب به معنای جلب و جذب دل‌ها است؛ بدین‌گونه که، شخص ساحر ادعا می‌کند علم ویژه‌ای دارد و کار خاصی از او برمی‌آید که در دسترس دیگران نیست مثل اینکه علم کیمیا بلد است و یا طی الارض می‌کند و حال آنکه این ادعاها دروغین است و واقعیت ندارد. (مجلسی: ۲۹۶/۵۹)

هشتم: ایجاد درگیری و نزاع با استفاده از سخن‌چینی

در برخی موارد افراد با استفاده از سخنان ماهرانه، میان دو فرد یا دو گروه تفرقه ایجاد کرده و آتش

جنگ را روشن می‌کنند. در برخی از روایات با توجه به نقش سحرآمیز سخن‌چینی در مواردی که ذکر شد، با عنوان سحر یاد شده است. (همان: مجلسی: ۲۷۸/۵۹-۲۹۷)

با توجه به مطالبی که گذشت می‌توان گفت سحر در معنای عام خود به هر امری که سبب پیدایش آن، مخفی و یا غیرقابل دستیابی باشد اطلاق می‌گردد. با دقت و تأمل می‌توان گفت برخی از مصادیق این معنا به سختی در اصطلاح شرعی و عرفی سحر نامیده می‌شود چنانچه بهره‌گیری از علوم و فناوری ممکن است از مصادیق معنای فوق باشد درحالی که از نظر عرف سحر به شمار نمی‌روند. همچنین به نظر می‌رسد اقسام هفتم و هشتم، مصداق معنای عام سحر به شمار نمی‌رود گرچه برخی از ویژگی‌های سحر در آنها وجود داشته باشد. نکته دیگر این که طبق اصطلاح عام، سحر بودن برخی از اقسام مانند قسم اول محل شک و تردید است.

ب) سحر به معنای خاص

بدیهی است به منظور استنباط حکم فقهی موضوع خاصی همچون سحر، لازم است قلمرو موضوع به‌طور دقیق مورد شناسایی قرار گیرد. در این راستا ممکن است قیود خاصی در صدق مفهوم محل بحث دخیل باشد و برخی از قیود نقش محوری داشته باشند. به منظور تبیین دقیق ماهیت سحر، در ادامه دیدگاه فقها در تعریف سحر بیان می‌شود.

دیدگاه نخست: سحر به معنای حدوث (ساختن اتفاق) در جسم و جان دیگران

سحر از نظر علامه حلی رحمته الله عبارت است از: تأثیر ساحر در جسم یا قلب یا عقل شخص مسحور به‌طور غیرمستقیم از طریق سخنی که به زبان می‌آورد یا می‌نویسد، یا رُقیه و یا عملی که انجام می‌دهد.^۳ (علامه حلی؛ ۱۴۱۲ هـ: ۱۰۱۴/۲) طبق این دیدگاه، ساحر کلماتی به زبان می‌آورد، یا می‌نویسد، یا طلسم می‌کند و یا کاری انجام می‌دهد و به‌طور غیرمستقیم بر جسم، قلب یا ذهن فرد جادوشده تأثیر می‌گذارد. برخی از فقهای برجسته امامیه از جمله محقق کرکی (کرکی؛ ۱۴۱۱ هـ: ۲۹/۴) محقق اردبیلی (اردبیلی؛ ۱۴۲۴ هـ: ۷۸/۸) و مرحوم امام خمینی (خمینی؛ ۱۴۱۷ هـ: ۴۹۸/۱ مسئله ۱۶) این دیدگاه را پذیرفته‌اند. این نظر در کتاب المغنی توسط شیخ ابن قدامه از فقهای عامه نیز ذکر شده است. (ابن قدامه، [بی‌تا]، ۱۰/۴)

در نقد دیدگاه نخست می‌توان گفت این تعریف جامع نیست؛ چراکه برخی از انواع سحر و جادو، هیچ تأثیری بر جسم و جان یا ذهن ندارد؛ بلکه ساحر، مسحور را از جهات دیگری، مانند کار، معیشت و زندگی سحر می‌کند. به همین دلیل، برخی در تعریف سحر آن را عبارت از: آزار رساندن به دیگران در جسم و جان، با گفتار یا نوشتار و یا با استفاده از اسباب و علل پنهانی و ... دانسته‌اند. (شهید اول، دروس، ج ۱۶۴/۳) اعتبار اضرار به دیگری در معنای سحر از کلام آن شهیدین (شهید اول و ثانی) به دست می‌آید. شهید اول سحر را شامل موارد دیگری غیر از تأثیر در جسم و جان می‌داند: (شهید اول؛ ۱۴۱۷ هـ: ۱۶۴/۳)

دیدگاه دوم: سحر به معنای تصرف به واسطه عمل با استفاده از اسباب پنهانی

برخی انجام افعال غریبه را رکن اساسی سحر دانسته و معتقدند همین امر موجب نهی شارع از سحر شده است. این معنا برگرفته از کلام جمال‌الدین مقداد بن عبدالله معروف به فاضل مقداد در کتاب تنقیح الرائع است.^۴ (فاضل؛ ۱۴۰۴ هـ: ۱۲/۲) مرحوم فاضل مقداد می‌نویسد: «سحر یک علم است که از طریق آن انسان می‌تواند قدرت روحی و نفسانی را قوت بخشیده و به کارهای عجیب و غریب از اسباب پنهانی بپردازد». ابن‌الکفائی از علمای عامه مؤلف کتاب ارشاد المقاصد نیز بر این نظر بوده است. (جزیری: الفقه علی المذاهب الاربعه ج ۵ / ۳۷۲) بر اساس این دیدگاه انجام افعال غریبه که دیگران از انجام آن به‌طور طبیعی ناتوانند موجب تمایز و جدایی ساحران از دیگران شده و آنان را در طبقه ممتاز قرار می‌دهد. علامه حلی در کتاب ایضاح می‌نویسد: «سحر انجام کارهای خارق‌العاده‌ای است که یا در اثر تأثیرات نفسانی تحقق می‌یابد که به آن سحر می‌گویند؛ یا با بهره‌گیری از قوای آسمانی در کنار قوای زمینی صورت می‌پذیرد که به آن طلسم می‌گویند یا با کمک گرفتن از ارواح مجرد واقع می‌شود که به آن عزائم می‌گویند.» (حلی؛ ۱۳۸۷ هـ: ۴۰۵/۱) تعریف علامه حلی می‌تواند مصادیق چهارگانه نخستین را شامل شود. اشکال این دیدگاه این است که انجام افعال غریبه تنها در سحر ظهور ندارد بلکه شامل کرامت‌هایی که برخی با تصفیه نفس و ریاضت‌های مشروع بدان دست یافته‌اند می‌شود.

دیدگاه سوم: سحر به مثابه ایجاد امور خارق العاده با بهره‌گیری از قوانین عالم اسفل

شهید صدر پس از این که قوانین عالم کیهانی را به سه سطح قوانین عالم طبیعی، قوانین عالم وسطی، قوانین عالم جبروت تقسیم می‌کند؛ می‌نویسد: «مرتبه چهارمی از قوانین وجود دارد که پایین‌تر از همه آنهاست و برخی معتقد به وجود آن هستند. آن قوانین، به اصطلاح قوانین عالم ظلمت یا زمین سفلی است که محل سکونت ارواح شیطانی و ارواح شرور می‌باشد.» ایشان در ادامه می‌نویسد: «اگر این مرتبه وجود داشته باشد، اعمال و قوانین خاص خود را خواهد داشت و جادوگران و ساحران از این قوانین استفاده می‌کنند. آنچه من بر آنم این است که عالم سفلی می‌تواند منبع سحر باشد.» (صدر؛ ۱۴۲۹ هـ: ۱۶/۱۴) با توجه به مطلبی که از شهید صدر نقل شد می‌توان سحر و جادو را در یک اصطلاح به استفاده ساحر از قوانین عالم سفلی به شیوه‌ای خاص برای ایجاد امور خارق العاده تعریف کرد.

دیدگاه چهارم: سحر به مثابه خدعه و تصرف در خیال دیگران

این معنا از کلمات برخی از علمای متأخر امامیه مانند سبزواری (سبزواری، ۱۴۱۶: ۹۹/۱۶)، آیت‌الله خوئی و نیز اکثر فقهای اهل سنت مانند فخر رازی، بی تا: ۱۹۷/۲) استفاده می‌شود. آیت‌الله خوئی رحمته الله علیه در کتاب مصباح می‌فرماید: «سحر عبارت است از تغییر دادن چهره اصلی چیزی از طریق فریب و نیرنگ تا جادوگر، باطل را لباس حق بپوشد و آن را به صورت واقعی نشان دهد، به طوری که مردم ساختارهای عجیب و غریب و اشکال عجیب و غریب و ترسناک را ببینند.» این دیدگاه با آنچه در لغت آمده است مطابقت دارد. اشکال دیدگاه فوق این است که تنها ناظر به یک نوع سحر است و آن سحر تخیلی است. سحر تخیلی سحری است که بر قوه مخیله تأثیر می‌گذارد. بدیهی است نوعی سحر وجود دارد که واقعاً شخص را بیمار می‌کند و زن و شوهر را از یکدیگر جدا می‌کند. تأثیر چنین سحری همانند اثر سم بر بدن، بر جسم واقعی است و نه خیالی و وهمی.

جمع بندی

با توجه به دیدگاه‌های مختلفی که گذشت معلوم شد در تعریف سحر و بیان ماهیت آن

اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از فقها آن را منحصر به معنایی محدود و خاص می‌دانند و برخی دیگر معنایی عام برای آن در نظر گرفته‌اند. همان‌طور که گذشت در برخی از تعاریف اضرار به دیگری لازمه ماهیت سحر در نظر گرفته شده و در برخی دیگر اصلاً به چنین ملاکی توجه نشده است. بر اساس برخی از تعاریف، سحر منبعث از قوه نفسانی و درونی دانسته شده و طبق برخی دیگر منشأ آن امری وسیع‌تر معرفی شده؛ به طوری که امکان بهره‌گیری از قوای بیرونی را در سحر مطرح کرده‌اند.

دیدگاه برگزیده

شکی نیست که سحر انواع مختلفی دارد. هر یک از این دیدگاه‌های مورد بررسی، به نوع یا انواع خاصی از سحر اشاره دارد. به نظر می‌رسد، شناخت منشأ سحر در مقایسه با پرداختن به آثار آن، در درک ماهیت سحر مؤثرتر باشد؛ بنابراین مهم‌ترین نکته‌ای که باید به آن توجه شود همان چیزی است که شهید صدر به آن اشاره کرد و سحر را از تعالیم شیطان معرفی کرده است و نه آنچه از قوای نفسانی ناشی می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت: «سحر و جادو عبارت است از بهره‌مندی جادوگر از قوانین جهان سفلی برای منفعت خاص از طریق ساکنین آن جهان.»

عدم شمول سحر نسبت به شعبده

گاه فعل دارای سبب ظاهری خاصی است اما فاعل چنان پیچیده و با سرعت عمل و حرکات سریع عمل خویش را انجام می‌دهد که گمان می‌رود، سبب ظاهری ندارد. گرچه این عمل با مهارت و توانایی ویژه انجام می‌شود ولی سحر به شمار نمی‌رود و اطلاق سحر بر آن مجازی است. برخی از محققین سحر نبودن شعبده را تصریح کرده‌اند. بیضاوی می‌نویسد: «کار متعجب‌کننده‌ای که افراد صاحبان حيله و نیرنگ از طریق آلات و تردستی انجام می‌دهند، سحر نیست و اشکالی ندارد؛ زیرا سحر بر عمل خارق‌العاده‌ای دلالت دارد که سبب آن پنهان باشد (بیضاوی، ۱۴۰۱ هـ: ج ۱ ص ۷۵)؛ بنابراین شعبده از جهت عدم روی‌آوری به اسباب مخفی اشکال ندارد و اگر اشکالی در آن باشد، به جهت قرین بودن با افعال حرام چون تدلیس، فریب و نیرنگ و یا ترساندن دیگران است.

حکم سحر و تعلیم و تعلم آن

حرمت سحر و تعلیم و تعلم آن امری مورد اتفاق است. (فاضل، ۱۴۰۴، ۱۲/۲)، (شهید اول، ۱۴۱۷، ۱۶۴/۳)، (انصاری، ۱۴۲۴، ۲۰۸/۱) و (ابن قدامه، ۱۴۲۷، ۳۲۳/۲)

حکمت حرمت سحر و تعلیم و تعلم آن

با توجه به آنچه در تبیین ماهیت سحر و بیان حکم حرمت سحر و تعلیم و تعلم آن گذشت، به نظر می‌رسد حرمت سحر و تعلیم و تعلم آن به دلیل آثار سوء و نامطلوبی است که در شخصیت ساحر و مسحور به جا می‌گذارد. در ادامه این آثار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. جهل ورزی به جای عقلانیت

به‌طور کلی می‌توان انسان‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: گروه اول کسانی هستند که زندگی خویش را مبتنی بر عقلانیت و پیروی از دستورات عقل و امور عقلانی قرار می‌دهند؛ و در مقابل افرادی هستند که تصمیمات و اعمال خویش را بر اساس امور غیرعقلانی، موهوم و غیرواقعی بنا می‌نهند. از آنجا که سحر و جادو امری مرموز بوده و قواعد آن خارج از قوانین طبیعی و عقل سلیم است، درستی و نادرستی آن قابل اثبات نیست؛ بنابراین توسل به سحر چه توسط خود ساحر و یا کسی که سحر برای او انجام می‌شود، از مصادیق تبعیت از امور موهوم و غیرعقلانی خواهد بود. افرادی که سحر و ساحری را برای حل مشکلات و مسائل خویش برمی‌گزینند، تصمیم‌ها و اعمال خود را بر اساس اموری که هیچ دلیل منطقی و عقلی آن را پشتیبانی نمی‌کند قرار می‌دهند. چنین اشخاصی اعمال و رفتار خویش را بر اساس امور ناملموس و غیرواقعی انجام می‌دهند. اینان وقوع و علاج همه مشکلات مانند فقر و بیماری را به‌وسیله اسباب پنهانی تحلیل و تفسیر می‌کنند. بدیهی است که نتیجه چنین رفتاری این است که عقل و امور عقلانی جایگاه خود را در زندگی فرد از دست می‌دهند. این افراد حامل افکار غیرموجه بوده و از نظر فکری و عقلی عقب مانده و ناتوان می‌شوند. با توجه به اهمیت فراوانی که در آیات و روایات برای عقل و تبعیت از آن بیان شده و این که در شرع مقدس از جهل و نادانی پرهیز داده شده است، بعید نیست گفته شود یکی از

حکمت‌های نهی از سحر و ساحری می‌تواند به دلیل پیشگیری از افتادن افراد در ورطه جهالت و امور موهوم و غیرعقلانی باشد.

۲. ابتلا به عجب و استکبار

چه بسا می‌توان گفت ورود نکوهش‌هایی که نسبت به سحر ورزی در شریعت آمده است، به دلیل آثار سوئی باشد که سحر در نفس و شخصیت ساحر به جای می‌گذارد. از آنجا که افراد خاصی به رموز سحر و ساحری دست می‌یابند و این قدرت، به‌طور طبیعی در اختیار دیگران قرار نمی‌گیرد، این افراد خود را برتر از دیگران دانسته و به شدت در معرض استکبار و سرکشی قرار می‌گیرند؛ بنابراین ممکن است گفته شود یکی از حکمت‌های نهی از سحر و تعلیم و تعلم در شرع، همین امری است که در درون انسان ظهور می‌یابد.

شاید گفته شود طغیان و سرکشی انسان در صورت دست‌یابی به هر امکان دیگری مانند علم، ثروت و قدرت نیز محتمل است؛ به همین دلیل باید گفت اساساً اکتساب هر چیزی که ممکن است انسان را در معرض طغیان و سرکشی قرار دهد، باید از سوی شرع ممنوع شده باشد درحالی‌که چنین نیست؛ بنابراین نمی‌توان احتمال ابتلا به عجب و استکبار را از حکمت‌های حرمت سحر به‌شمار آورد. پاسخ این است که درست است که در همه مواردی که انسان خود را دارای توان و قدرت می‌بیند، احتمال انحراف و طغیان وجود دارد ولی در برخی مواضع مانند ما نحن‌فیه احتمال انحراف و طغیان جدی‌تر است؛ بنابراین می‌توان گفت یکی از حکمت‌های نهی از سحر این است که افراد مبتلا به عجب و استکبار نشوند.

۳. کفر و بی‌ایمانی

انسان، زندگی طبیعی خویش را جز در پرتو بهره‌مندی از اسباب طبیعی عالم نمی‌تواند سامان دهد. برای رسیدن به هر مقصودی در این عالم باید از اسباب مناسب آن بهره جست و از طریق درست بدان دست یافت. در جهان‌بینی توحیدی نیز همین‌طور است؛ جز این‌که همه عوامل و اسباب عالم تحت تدبیر آفریننده جهان قرار دارد. در این نوع نگاه به عالم هستی، نظام اسباب و

مسببات از خواست و اراده حق تعالی مستقل نبوده و هیچ سببی در تأثیرگذاری مستقل در نظر گرفته نمی‌شود. در مقابل دیدگاه توحیدی، دیدگاه‌های دیگری وجود دارند که برای علل و اسباب طبیعی در ایجاد مسببات، نقش مستقلی قائل هستند و هیچ قدرتی را در پس این نظام طبیعی باور ندارند و با آن غافل‌اند.

با توجه به مطلبی که گذشت ممکن است گفته شود یکی از دلایل و حکمت‌های نهی از سحر و ساحری این است که کسانی که بدان روی می‌آورند، علل و اسباب را مستقل در تأثیر دانسته و از نقش اراده الهی در تأثیرگذاری اسباب غافل شده و آن را از یاد می‌برند؛ توضیح این‌که در علل و اسباب طبیعی به دلیل این‌که محدودیت، ضعف و زوال‌پذیری آن‌ها قابل حس و لمس است، درک نیازمندی و فقر این‌گونه از اسباب و علل برای همگان امکان دارد. با توجه به این‌که در سحر از اسباب و علل غیرطبیعی استفاده می‌شود، می‌توان گفت به دلیل این‌که این‌گونه اسباب و علل برای معمول انسان‌ها قابل درک و فهم نیست، بنابراین محدودیت و فناپذیری آن‌ها نیز قابل درک و فهم نخواهد بود. بدیهی است در چنین مواردی زمینه انحراف اندیشه بسیار بیشتر فراهم است. در تفسیر قمی، در ذیل آیه ۱۰ سوره شعرا چنین آمده است: آنچه موجب گردید فرعون ادعای ربوبیت کند، سحری بود که در خدمت او بود. توانایی انجام افعال خارق‌العاده بدون نیاز به بهره‌گیری از اسباب و علل عادی و طبیعی زمینه ادعای ربوبیت را در فرعون ایجاد کرد. شاید بتوان گفت این‌که حضرت علی علیه السلام با استفاده از آیه شریفه «**وَ اتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَ مَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَ لَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ**» (بقره: ۱۰۲) از سحر به کفر یاد کرده‌اند (دعائم الاسلام، ج ۲/۴۸۲) به همین دلیل باشد.

۴. از دست دادن اعتماد به نفس

اعتماد به نفس را می‌توان به معنی خودباوری و ایمان به خود در نظر گرفت. این مفهوم به باور داشتن به توانایی‌های خویش برای انجام کارها، پذیرش مسئولیت‌ها، رفع موانع و حل مشکلات دلالت دارد. اعتماد به نفس مستلزم درک واقع‌بینانه از توانایی‌ها و امکانات خویش است. افراد

دارای اعتماد به نفس مناسب، توانایی مقابله با چالش‌های زندگی و حل مشکلات پیش‌رو را دارند و در مواجهه با مشکلات و سختی‌ها، با استفاده از امکانات طبیعی که در اختیار دارند، به‌طور موفق عمل می‌کنند.

افراد ممکن است به علل مختلفی مانند وراثت، نوع تربیت، زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، از اعتماد به نفس کافی برخوردار نباشند. توسل به سحر و جادو یکی از عللی است که به خودباوری و اعتماد به نفس افراد لطمه زیادی وارد می‌کند. معمولاً افرادی که مبتلا به سحر و جادو می‌شوند، برنامه‌ها و کارهای خود را از طریق سحر پیش‌برده و سعی می‌کنند مشکلات خویش را با توسل به سحر و طلسم حل کنند. این دست از افرادی که توانایی‌ها و استعدادهایی که خداوند در وجود آن‌ها به ودیعه نهاده است غافل شده و هیچ بهره‌ای از آن‌ها نمی‌برند. این افراد رفته‌رفته از این‌که خود بتوانند کاری انجام دهند و یا مشکلی را حل کنند، مأیوس شده و رفع مشکلات خویش و موفقیت خود را در گروی سحر و طلسم خواهند دید؛ بلکه سحر و طلسم را تنها راه چاره خویش می‌یابند. با توجه به مطالبی که گذشت، می‌توان گفت یکی از دلایل و یا حکمت‌های نهی از سحر و جادوگری این است که افراد با اتکا به امکانات و توانایی‌های خود زندگی خویش را اداره کنند نه با توسل به جادو و طلسم.

۵. اضطراب و ترس

وجود حدی از اضطراب و استرس برای انسان امری طبیعی و مفید است؛ چراکه به حفظ بقا و زنده ماندن او کمک می‌کند. علی‌رغم مفید بودن حدی از اضطراب برای آدمی، در صورتی‌که شدت نگرانی و ترس بیش از حد طبیعی باشد و زندگی روزانه را مختل کند، فرد دچار بیماری اختلال اضطراب (Anxiety Disorders) می‌شود. اختلال اضطراب ترکیبی از احساس‌های ترس، پریشانی و دلهره نسبت به وضعیتی است که در آن عامل خطرناکی وجود ندارد و فرد به‌طور مداوم تشویش یا دل‌شوره دارد. عوامل مختلفی از جمله ژنتیک، محیط، میزان استرس، تغییرات مغز و ... می‌توانند موجب بروز این اختلال شوند.

روی آوردن به سحر و جادو به دلیل این که احتمال آسیب رسیدن به شخص ساحر و افرادی که مورد سحر قرار می‌گیرند زیاد است، یکی از عواملی است که موجب ایجاد و تشدید اضطراب و ترس در افراد می‌شود. همان‌طور که در تعریف سحر گفته شد، سحر با استعانت از نیروهای شیطانی عالم سفلی به وقوع می‌پیوندد. از آنجا که شیطان و ایادی آن از ابزارهایی مانند تهدید و تخویف استفاده می‌کنند، افرادی که به نوعی ارتباط با شیاطین دارند در معرض استرس، اضطراب و ترس واقع می‌شوند. خداوند حکیم در قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَ خَافُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». (آل عمران: ۱۷۵) بعید نیست بتوان گفت حفظ انسان از دچار شدن به اضطراب و ترس نیز یکی از حکمت‌هایی باشد که شارع به خاطر آن، سحر و جادو را منهی قرار داده است.

۶. سوءظن و بی‌اعتمادی

سوءظن یک نوع بیماری روانی خطرناک است که عوارض نامطلوبی در فرد و جامعه می‌گذارد و توده‌های مردم را به جان هم می‌اندازد و صفای خانواده‌ها را مکدر ساخته و دل‌های پاک را چرکین و سرانجام به کینه‌توزی وامی‌دارد. افراد مبتلا به سوءظن، نسبت به دیگران حتی اعضای خانواده و اقوام خود، اعتمادی ندارند. سوءظن در اسلام از گناهان بزرگ محسوب شده و قرآن افراد مؤمن را از آن بر حذر داشته است. خداوند حکیم در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ». (حجرات: ۱۲)

یکی از آثار و عواقب نامطلوب سحر این است که افراد مبتلا به سحر، دچار سوءظن و بی‌اعتمادی به دیگران می‌شوند. دلیل این امر این است که فرد ساحر دلیل مشکلات و گرفتاری افراد را اعمال و کارهای دیگران معرفی می‌کند. ساحرین در موارد زیادی به افرادی که به آنان مراجعه می‌کنند این‌گونه القاء می‌کنند که افرادی از طرق غیرعادی موجب بروز مشکلات و گرفتاری شده‌اند. در اغلب موارد، مراجعین به افرادی که خود را ساحر معرفی می‌کنند، در اثر القائات چنین افرادی دچار سوءظن به دیگران شده و نسبت به آنان بی‌اعتماد می‌شوند. با توجه به

مطالبی که گفته شد، بعید نیست یکی از دلایل نهی از سحر و ساحری را بتوان در این نکته جستجو کرد؛ بنابراین بعید نیست گفته شود حفظ فرد از ابتلا به سوءظن و بی‌اعتمادی به دیگران، یکی دیگر از حکمت‌های نهی از تمسک به سحر و جادو باشد.

نتیجه

سحر و جادو از امور ظریف و دقیق بوده و گونه‌های زیادی دارد؛ به همین دلیل، شناخت آن سخت بوده و فقها در تبیین مفهوم و تعیین مصداق آن اختلاف نظر داشتند. همان‌گونه که تبیین شد، ماهیت سحر را می‌توان با بهره‌گیری انسان از نیروهای پنهان و غیبی توضیح داد. پس از تبیین ماهیت سحر و بیان حکم صریح آن در دین اسلام، این موضوع مورد بررسی قرار گرفت که حکمت مقابله شدید با سحر در منابع دینی چیست؟ در پاسخ به این پرسش مواردی مانند ابتلا به کفر، جهل، غرور، اضطراب و سوءظن به‌عنوان علل احتمالی نهی از تمسک به سحر برای حل مشکلات و رفع گرفتاری‌ها، مورد بررسی قرار گرفت. البته می‌توان موارد دیگری را به آنچه در این مقاله بدان‌ها پرداخته شد اضافه کرد؛ ولی به نظر می‌رسد توجه به این مقدار از آثار سوئی که سحر و جادو دارد، برای تبیین علت یا حکمت نهی شارع از سحر کافی باشد. بر اساس آنچه گفته شد، توصیه اکید می‌شود افراد به منظور حفظ سلامت دینی، اخلاقی، روانی و جسمی خود از ابتلا به سحر و مراجعه به ساحر اجتناب کنند.

پی نوشتها

-
۱. کل ما كان من الشيطان فيه معونة و الأخذة التي تأخذ العين.
 ۲. السحر: عمل تقرب فيه الى الشيطان و بمعونه و من السحراخذة التي تأخذ العين حتى يظن ان الامر كما يرى وليس الاصل على ما يرى.
 ۳. كلام يتكلم به او يكتبه او رقية او يعمل شيئا يؤثر في بدن المسحور او قلبه او عقله من غير مباشر.
 ۴. انه علم - و في بعض النسخ عمل - يستفاد منه حصول ملكة نفسانية يقتدر بها على افعال غريبة باسباب خفيه.

کتابنامه

قرآن کریم

ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، ابوالفضل، جمال الدین، *لسان العرب*، چاپ هشتم، ١٤٢٤ هـ

(شیخ) انصاری، مرتضی، *المکاسب المحرمة*. قم، دار الحکمة، [بی تا].

اردبیلی، احمد مقدس، *مجمع الفائدة و البرهان*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، چاپ (٢) ١٤١٦ ق. ابن حجر، شهاب دین احمد بن علی، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ (٤) ١٤٠٨ هـ

ابوطالب، فخر محققین، محمد بن الحسن، *ایضاح الفوائد فی شرح القواعد*، قم، المطبعة العلمية، چاپ (١) ١٣٨٧ ق.

بحرانی، یوسف بن احمد، *الحقائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، [بی تا].

بیضاوی، ناصر دین عبدالله، *تفسیر بیضاوی*، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ١٤١٠ ق.

جزیری، عبد رحمان، *الفقه علی المذاهب الاربعه*. بیروت. دار احیاء التراث العربی، [بی تا].

جصاص، ابو بکر احمد رازی، *احکام القرآن*، بیروت، دار الفکر چاپ (١) ١٤٢١ هـ

حسینی زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، نشر دارالفکر، ١٤١٤ ق. (علامه) حلّی، حسن بن یوسف، *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، قم، مجمع بحوث الاسلامیه، چاپ (١) ١٤١٢ هـ

حلّی، علامه، حسن بن یوسف، *قواعد الاحکام*، قم، چاپ (٢)، ١٤٣١ هـ

(علامه) حلّی، حسن بن یوسف اسدی، *تذکره الفقهاء*، قم، مکتبه مرتضویه لاحیاء الاثار الجعفریه، [بی تا].

خویی، ابو القاسم، *مصباح الفقاهة*، قم، مکتبه الداوری، چاپ (١) ١٣٧٧ ش.

- خمینی، روح الله، *تحریر وسیله*، قم، مؤسسه نشر الاسلامی تابعة جامعة المدرسين. چاپ (۶) ۱۴۱۷ هـ
- خراسانی، علی محمد، *شرح مکاسب*، قم، انتشارات دار الفکر، چاپ (۲) - بهار ۱۳۸۱ ش.ق. رازی، فخر دین محمد، *تفسیر الكبير*، قاهره، مكتبة التوفيقية، [بی تا].
- سبزواری، عبد اعلى، *مهذب الاحكام*، قم، مكتبة اية الله عظمى سبزواری، مؤسسه منار. چاپ (۴) ۱۴۱۶ ق.
- صدر، محمد صادق، *السحر والكهانة فقهيا*، قم، مدين (للطبعة و النشر). چاپ (۱) ۱۴۲۹ هـ. صنعانی، عبد رزاق بن همام، *المصتف*، بیروت، دار الكتب العلمية. چاپ (۱) ۱۴۲۱ ق.
- طباطبایی، علی بن محمد علی، *رياض المسائل في تحقيق الاحكام بالدلائل*، بیروت، مؤسسه آل بیت لاحیاء ۲۵. چاپ (۱) رمضان ۱۴۱۸ هـ.
- طریحی، محمد سعید، *عوالم السحر و اسرار علم الحروف*، هولاندا - اکادمیه کوفه *مجله موسم* ۹۸، ۱۴۳۳ ق.
- (شیخ) طوسی، محمد بن حسن، *تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة*، بیروت، دار صعب - دار التعارف، [بی تا].
- عاملی، شهید اول؛ محمد بن مکی. *الدروس الشرعية*. قم، مؤسسه نشر الاسلامی. چاپ ۲، ۱۴۱۷ ق.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین، *مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام*. قم، مؤسسه معارف اسلامی. چاپ ۱، ۱۴۱۳.
- عاملی، شهید ثانی؛ زین دین. *الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية*، بیروت، دار العالم الاسلامی، [بی تا].
- فاضل، جمال دین مقداد، *التنقيح الرائع لمختصر النافع*، قم، مكتبة اية الله عظمى مرعشى نجفی. چاپ (۱) ۱۴۰۴ هـ.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹، ج ۳.
- کبری زاده، طاش، *مفتاح السعادة*، حیدر آباد الدکن، مجلس دائرة المعارف العثمانية، [بی تا].
- (محقق) کرکی، علی بن حسین، *جامع المقاصد في شرح القواعد*، قم، مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث. چاپ (۱) ۱۴۱۱ هـ.

- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب. *الكافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ (۲)، ۱۳۶۷ ش.
- مجلسی، محمدباقر بن تقی، *بحار الانوار*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چاپ (۳)، ۱۳۷۳ ش.
- محمدعلی حق شناس، *فرهنگ معاصر هزاره*، [بی جا]، فرهنگ معاصر، چاپ دهم، ۱۳۸۹
- مازندرانی، ابن شهر آشوب. *مشابه القرآن و مختلفه*، قم، دارالبیدار للنشر، چاپ ۱۳۹۶ ق
- موفق الدین، ابو محمد (ابن قدامه)، *مغنی*، بیروت، دار الفکر، [بی تا].
- _____، *الكافی فی الفقه*، بیروت - صیدا - الکتبة العصریة. چاپ (۱) ۱۴۲۷ ق.
- نجفی، محمدحسین. *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۴.